



لحاظ نمودن اثرات حافظه بلند مدت در پیش بینی تلاطم و ارزش در معرض خطر

احسان طیبی ثانی^۱
مدیحه چنگی آشتیانی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۹/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۵/۱۵

چکیده

پیش بینی و لحاظ حافظه بلند مدت در سریهای زمانی یکی از با اهمیت ترین موضوعات در بازارهای مالی است که در پیش بینی تلاطم و ارزش در معرض ریسک کاربردهای وسیعی دارد. ارزش در معرض ریسک یکی از معروفترین ابزارهای ارزیابی ریسک در مدیریت مالی است. در این مقاله برای دو سری زمانی شاخص بورس اوراق بهادار تهران و شاخص فرابورس ایران در بازه زمانی مهر ماه ۱۳۸۷ تا بهمن ماه ۱۳۹۳ از مدل‌های خانواده GARCH استفاده گردیده است. نتایج حاکی از وجود اثرات نامتقارن در بازدهی هر دو سری زمانی مورد بررسی است. برای ارزیابی پیش بین و ارزش در معرض ریسک از معیارهای کمترین خطا و آزمونهای آماری برای ارزیابی کفایت مدل‌های برآورد کننده ارزش در معرض ریسک استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که لحاظ اثرات نامتقارن در سریهای بازدهی و همچنین اثرات حافظه بلندمدت منجر به بهبود پیش بینی تلاطم و ارزش در معرض ریسک این دو سری زمانی می گردد.

واژه‌های کلیدی: حافظه بلند مدت، شاخص بورس اوراق بهادار، شاخص فرابورس ایران، مدل‌های نامتقارن GARCH، ارزش در معرض ریسک.

۱- دانشجوی دکتری دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) Ets_777777@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد اقتصادی madihe65@yahoo.com

۱- مقدمه

حافظه پیش بینی تلاطم یکی از مهمترین موضوعات مورد مطالعه در بازارهای مالی دنیا است. تلاطم به عنوان یک عامل مؤثر در تعیین ریسک سرمایه گذاری، می تواند نقش مهمی در تصمیم گیری سرمایه گذاران ایفا کند. یک تخمین مناسب از تلاطم قیمت دارایی های همچون بازار سهام در یک دوره سرمایه گذاری نقطه آغازین بسیار مهمی در کنترل ریسک سرمایه گذاری است. در طول سال های اخیر بازارهای مالی جهان همواره با نوسانات و نا اطمینانی های قابل توجهی مواجه بوده اند. به نحوی که عدم اطمینان موجود در ارتباط با بازده دارایی های سرمایه گذاری شده، بسیاری از سرمایه گذاران و تحلیلگران مالی را نگران ساخته است (الکساندر، ۱۹۹۹). به این ترتیب نیاز به مدیریت ریسک ناشی از نوسانات بازده برای معامله گران بازار امری اساسی به شمار می رود (محمدی و همکاران، ۱۳۸۸).

مدیریت ریسک در تصمیم گیری برای یک سبد دارایی مستلزم دسترسی حداقل به دو شاخص بازدهی دارایی و واریانس آن در افق زمانی مورد نظر برای تصمیم گیری است. اگر هدف یک سرمایه گذار دست یافتن به یک میزان مشخصی از بازدهی باشد، باید همزمان از میزان ریسکی که وی در معرض آن قرار دارد نیز اطلاع داشته باشد. به بیانی دیگر ریسک و بازدهی دو مؤلفه به هم پیوسته در یک تصمیم گیری مالی است. یکی از روش های اندازه گیری ریسک، سنج و معیار ارزش در معرض ریسک^۱ است، که امروزه به طرز وسیعی در کنترل و پیش بینی انواع ریسک ها اعم از ریسک بازار، ریسک اعتباری و ریسک عملیاتی مورد استفاده قرار می گیرد.

در این مقاله بر این موضوع پرداخته خواهد شد و برای بازار سهام در ایران برای دو شاخص بورس اوراق بهادار تهران و شاخص فرابورس ایران به محاسبه و توان سنجی ارزش در معرض ریسک برای این دو شاخص پرداخته خواهد شد. بدین ترتیب در ادامه این مقاله ابتدا به مبانی نظری و پیشینه تحقیق خواهیم پرداخت، پس از بررسی جایگاه تحقیق حاضر در میان نظریات مختلف پیرامون مقوله ریسک، روش پژوهش حاضر بیان خواهد شد. سپس با در نظر گرفتن روش پژوهش یافته های تجربی کسب شده حاصل از آزمون روش پژوهش و نهایتاً نتیجه گیری مقاله حاضر ارائه می گردد.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

تلاطم معمولاً به صورت انحراف معیار نمونه مورد تحقیق در نظر گرفته می شود. مدل های مختلفی برای تخمین و پیش بینی تلاطم بازدهی و پیش بینی ارزش در معرض ریسک (که از مهمترین سنج های ریسک در مدیریت ریسک بشمار می آید). وجود دارد که به سه گروه کلی، مدل های سری زمانی، مدل های اختیارات و مدل های مبتنی بر روش های ناپارامتریک تقسیم می شوند.

مدلهای سری زمانی برای مدل سازی تلاطم بازده دارایی ها هم در سه دسته اصلی تقسیم بندی می شوند که شامل مدل های "پیش بینی براساس واریانس های گذشته، مدل های GARCH و مدل های تصادفی" است. از گروه اول می توان به مدل های گام تصادفی، میانگین مجذور بازده یا مدل های ساده میانگین واریانس و مدل های مبتنی بر تلاطم گذشته، شامل مدل های میانگین متحرک ساده و میانگین متحرک وزنی نمائی، اشاره کرد. این مدلها بر مفروضات هم توزیع و نابسته بودن توزیع جزء اختلال مدل استوارند. اما شواهد به دست آمده از تحلیل داده های دنیای واقعی بیانگر آن است که فرض های "هم توزیع و نابسته بودن" برقرار نمی شوند. بر اساس تحقیقات مندلبورت (۱۹۶۳) و فاما (۱۹۷۲) روی سریهای زمانی داده های مالی، تلاطم خوشه ای در داده های مالی وجود داشته و دوره های مربوط به بازده های بزرگ به صورت متمرکز و مجزا از دوره های با بازده اندک دیده می شوند و لذا چنانچه تلاطم بر حسب واریانس یا ریشه آن، اندازه گیری شود، آن گاه این تصور منطقی خواهد بود که واریانس با زمان تغییر می کند. گروه دوم این مدلها، توزیع های شرطی بازده یا مدل های GARCH از آن ریشه می گیرند، که شواهدی در رد فرض نابسته و هم توزیع بودن شرطی فرایند وجود دارد. مدل های موجود در این گروه از قبیل GARCH و تلاطم احتمالی، با تلاطم به صورت فرایندی که دائماً به زمان وابسته است، برخورد می کنند. این مدلها از آن جهت که پدیده تلاطم خوشه های متداول در میان سری های زمانی، را لحاظ می کنند، بسیار مورد توجه قرار دارند. تمام مدل های GARCH همچون EGARCH، PGARCH و FIGARCH در این حیطه دارند. در دسته سوم این مدلها یعنی مدل های تصادفی نیز، پیش بینی تلاطم لزوماً بر مبنای مشاهدات گذشته نیست و مبتنی بر بعضی ساختارهای تصادفی پنهان در سری بازده است.

کاربرد گسترده ارزش در معرض خطر به عنوان ابزاری برای ارزیابی ریسک و مدیریت ریسک مخصوصاً در شرکتهای خدمات مالی مانند شرکتهای سرمایه گذاری و بانکها و ادبیات گسترده ای که در این زمینه وجود دارد موجب شده است که پژوهش های بسیاری در اقتصاد مالی و ریسک بر روی آن صورت گیرد. در نتیجه، یک بدنه در حال رشدی از نوشتارهای مربوط به ارزش در معرض ریسک شکل گرفته و مدل های جدیدی را برای برآورد ارزش در معرض ریسک پیشنهاد کنند. این روشها تلاش می کنند تا عملکرد این معیار ارزشیابی ریسک را ارتقاء بدهند.

یکی از مهمترین سوالاتی که سرمایه گذاران در بازارهای مالی از خود می پرسند این است که حداکثر زمانی که در یک سرمایه گذاری مالی به سبد دارایی های شان ممکن است وارد شود چقدر است. ارزش در معرض خطر پاسخی را برای این سوال فراهم می آورد. عبارت ارزش در معرض خطر در دهه ۱۹۹۰ پای به عرصه ادبیات مالی گشود. البته این معیار برای اولین بار توسط بامول در سال ۱۹۶۳ برای معیار حد اطمینان عایدی مورد انتظار پیشنهاد شد. در اواخر دهه ۱۹۸۰ بخش تحقیقات

موسسه جی.پی.مرگان به مدیریت تیل گولدیمان، گروه مدیریت ریسک در مورد تصمیم گیری در سرمایه گذاری بدون ریسک در اوراق قرضه بلند مدت و تولید درآمد پایدار و یا سرمایه گذاری در بازار سهام و ارز را مرو تحقیق قرار داد و به این نتیجه رسید که ریسک ارزش مهمتر از ریسک درآمد است. این معیار تنها مربوط به ریسک بازار نبوده و هر جا که سخنی از ریسک به میان آید می توان آن را در معیار در معرض خطر به صورت کمی در آورد.

ارزش در معرض خطر به طور خاص، حداکثر زبانی است که کاهش ارزش سبد دارایی برای دوره معینی در آینده با درصد اطمینانی معین، از آن بیشتر نمی شود. به عبارت دیگر حداکثر زبانی که در یک سرمایه گذاری مالی به سبد دارایی های یک سرمایه گذار ممکن است وارد شود چقدر است.

در این زمینه با توجه به اهمیت این معیار مطالعات گسترده ای صورت گرفته است که به دلیل کمبود فضا سعی شده پاره ای از مهمترین پژوهش های مرتبط با این مقاله ارائه شود.

مایک سو^۲ (۲۰۰۶) و فیلیپ یو^۳ (۲۰۰۶) با بررسی عملکرد مدل های مختلف GARCH در تخمین ارزش در معرض ریسک با استفاده از داده های مربوط به ۱۲ شاخص اصلی سهام در اروپا و آمریکای شمالی و جنوب شرقی آسیا و چهار ارز اصلی دریافتند که رفتار غیر متقارن در داده های مربوط به بازارهای مالی مشاهده می شود، در حالی که در بازده مربوط به نرخ ارز، رفتار متقارن مشاهده می شود. همچنین در تخمین ارزش در معرض ریسک، مدل هایی با توزیع تی استیودنت، بهتر از مدل هایی با توزیع نرمال (به خصوص برای سطح معناداری یک درصد) هستند. آنها به این نکته اشاره دارند که مدل های FIGARCH در تخمین VaR با $\alpha = 1\%$ عملکرد بهتری دارند و بیشتر سری های زمانی دارای توزیع با کشیدگی زیاد هستند و در عین حال حافظه ی بلندمدتی را از خود نشان می دهند و نیز دریافتند که تخمین VaR برای نرخ ارز نسبت به تخمین آن برای شاخص سهام، وابستگی کمتری به توزیع مدل تلاطم دارد. برای $\alpha = 2.5\%$ مدل های IGARCH نتایج بهتری از خود نشان می دهند.

برنز^۴ (۲۰۰۲) با استفاده از مدل های GARCH برای داده های روزانه ی شاخص S&P500 برای ۷۰ سال به تخمین VaR پرداخت. نتایج تحقیق نشان داد که تخمین زن های GARCH در مقایسه با سایر مدلها به دلیل دقت و سازگاری سطح احتمال، عملکرد بهتری دارند. اگرچه تمامی مدل های GARCH آزمایش شده نسبتاً خوب عمل کردند، اما کیفیت تخمین VaR به این بستگی دارد که چه نوع خاصی از مدل GARCH مورد استفاده قرار گیرد و نیز وزن دادن بیشتر به مشاهدات اخیر به هنگام برازش مدل GARCH مفید است.

پینگ سونگ وو و همکاران^۵ (۲۰۰۷) با بررسی ارزش در معرض ریسک برای ویژگی تلاطم با حافظه بلندمدت از سه نوع توزیع متفاوت نرمال، تی استیودنت و تی استیودنت چوله دار برای داده

های روزانه مربوط به نرخ بهره ی اوراق خزانه استفاده کردند. آنها برای مدلسازی واریانس شرطی، دو مدل GARCH و FIGARCH را به کار بردند. نتایج این تحقیق نشان می دهد که بازده نرخ بهره ی اوراق قرضه دارای حافظه بلندمدت بوده و در نتیجه مدل‌هایی با حافظه بلندمدت نتایج دقیق تری ارائه میدهند. در هر دو حالت تخمین ارزش در معرض ریسک داخل نمونه‌های و خارج از نمونه، مدل‌های FIGARCH در هر سه نوع توزیع، عملکرد بسیار بهتری نسبت به مدل‌های GARCH دارند و مدل FIGARCH با توزیع تی استیودنت چوله دار بهترین عملکرد را دارد. پژوهشگرانی همچون علوی و همکاران (۲۰۱۰)، چنگ (۲۰۰۹) و وی و همکاران^۶ به بررسی وجود اثرات حافظه بلند مدت در بازارهای کالاهایی همچون؛ طلا، نقره، گاز و نفت خام پرداختند. آنها برای مدیریت ریسک همچون پژوهشگران دیگر از سنجه ارزش در معرض ریسک استفاده کردند. مطالعات آنها همگی وجود اثرات نامتقارن و حافظه بلند مدت در سری‌های زمانی مورد آزمون را تایید کرد و بهترین مدلها با لحاظ این اثرات معرفی شده اند.

شنر و همکاران^۷ (۲۰۱۲) با ۱۲ مدل مختلف ارزش در معرض ریسک را برای شاخصهای سهام ۱۱ بازار نوظهور (برزیل، شیلی، کلمبیا، جمهوری چک، مجارستان، مکزیک، لهستان، روسیه، ترکیه، آفریقای جنوبی و آرژانتین) و ۷ بازار توسعه یافته (انگلستان، آمریکا، اسپانیا، فرانسه، آلمان، ژاپن و هلند) تخمین زده و با استفاده از یک مدل رتبه بندی نشان دادند که مدل‌های نامتقارن مثل CVaR نامتقارن و EGARCH بهترین پیش بینی را از ارزش در معرض ریسک ارائه می دهند. بنابراین عملکرد مدل‌های ارزش در معرض ریسک کاملاً وابسته به این امر نیست که رویکرد آنها پارامتریک است یا ناپارامتریک و یا شبه پارامتریک بلکه وابسته به این است که آیا مدل مفروض میتواند عدم تقارن داده های پایهای را به طور موثر مدلسازی کند. بررسی مطالعات تجربی این نکته را روشن میکند که عملکرد روشهای مختلف محاسبه ی ارزش در معرض ریسک در بازارهای مالی مختلف، یکسان نیست و مقایسه عملکرد این روشها برای انتخاب روش مناسب، اهمیت زیادی دارد.

شکیلی و همکاران^۸ (۲۰۱۴) با بررسی و پیش بینی تلاطم و مدیریت ریسک بازارهای مالی در جهان بر روی چهار کالای طلا، نقره، نفت خام و نقره در بازه تاریخی ۱۹۹۷ الی ۲۰۱۱ پرداختند. آنها در بین سری‌های زمانی مورد استفاده خود اثرات حافظه بلندمدت یافتند و با استفاده از مدل‌های خانواده GARCH دریافتند که بهترین مدل برای پیش بینی تلاطم و برآورد ارزش در معرض ریسک این کالاها مدل FIAPARCH دارای بهترین عملکرد در بین سایر مدل‌های مورد استفاده است.

کشاوری حداد و صمدی (۱۳۸۸) با استفاده از روش های GARCH تلاطم موجود با استفاده از داده روزانه برای شاخص قیمت بورس تهران را برآورد کردند و طی این پژوهش بهترین مدل ها در تخمین و پیش بینی تلاطم برای توزیع نرمال و توزیع تی -استیودنت نتیجه شده است. با توجه

به وجود علائم حافظه بلندمدت برای تبیین میانگین شرطی، از مدل ARIMA و برای واریانس شرطی، در کنار مدل های با حافظه کوتاه مدت، از مدل با حافظه بلندمدت FIGARCH استفاده شده است. مقایسه مدل ها نشان می دهد که در سطوح اطمینان متفاوت برای تخمین ارزش در معرض خطر، مدل های مختلف نتایج متفاوتی می دهند، ولی می توان گفت مدل FIGARCH عملکرد بهتری را دارا می باشد.

۳- روش شناسی پژوهش

همانطور که اشاره شد برای محاسبه ارزش در معرض ریسک به پیش بینی میانگین بازدهی و واریانس شرطی آن نیاز داریم. از حیث نظری هم برآورد واریانس شرطی حایز اهمیت است. مواردی دیده می شود که توزیع شرطی و بازدهی دارای ناهمسانی شرطی است و به این دلیل در نظر گرفتن این ویژگی سبب دستیابی به برآوردگرهای حداکثر راستنمایی شرطی کارا می شود. از سوی دیگر در پاره ای از موارد مشاهده می گردد که جزء پسماند یک معادله برازش شده ARIMA علی رغم مانا بودن بازدهی (فرآیند تصادفی مورد مطالعه) برای p و q مختلف نوفه سفید نمی گردد این بدان معنی است که جزء پسماند با مشکل وجود اثرات واریانس ناهمسانی (ARCH) یعنی واریانس خود همبسته شرطی روبرو است. نکته ی قابل تأمل دیگر این است که حتی در مواردی که جزء پسماند نوفه سفید باشد، این احتمال وجود دارد که بین مقادیر جزء پسماند رابطه غیر خطی به صورت سیستماتیک برقرار باشد.

بایستی بهترین الگوی $ARIMA(p,d,q)$ انتخاب شود. در این رابطه p تعداد جملات خود رگرسیون، d تعداد دفعاتی که سری زمانی اولیه باید تفاضل گیری شود تا مانا شود و q تعداد جملات میانگین متحرک است. برای برآورد مدل ARIMA از متدولوژی باکس- جنکینز استفاده می شود. طبق این روش ابتدا باید مقادیر واقعی p ، d و q تعیین شوند. بدین منظور از ابزار نمودار خود همبستگی و خود همبستگی جزئی استفاده می شود و وقفه های بهینه مدل انتخاب می شوند می شود؛ سپس ضرایبی که از نظر آماری نسبت به بقیه متغیرها از نظر آماری کم تر معنی دار هستند، براساس روش شناسی باکس جنکینز حذف می شود و مدل مجدداً تخمین زده می شود. روند حذف متغیرها بی معنی تا مرحله ای که همه متغیرها از نظر آماری معنی دار باشند، ادامه می یابد.

۳-۱- مدل GARCH

برای لحاظ کردن اطلاعات غیرخطی موجود در میان پسماندهای رگرسیون در هنگام تخمین پارامترهای مدل ARIMA مدل های خانواده ی ARCH و در حالت تعمیم یافته آن مدل خانواده ی ابزاری تحلیلی مناسبی می باشند و به صورت زیر تصریح می شوند.

$$\begin{aligned} r_t &= \mu_t + \varepsilon_t \\ \varepsilon_t &= \sigma_t z_t, z_t \sim NID(0,1) \\ \sigma_t^2 &= \omega + \alpha \varepsilon_{t-1}^2 + \beta \sigma_{t-1}^2 \end{aligned} \quad (1)$$

که در آن $\{\varepsilon_t\}$ دنباله ای از متغیرهای تصادفی ناپسته هم توزیع با میانگین صفر و واریانس ۱ و علاوه بر این $\omega > 0, \beta_j \geq 0, \alpha_i \geq 0, \alpha_i < 1 + \beta_j$ است.

۳-۲- مدل EGARCH

برای فایق آمدن به پاره ای کاستی های مدل GARCH در صورت بندی و پیش بینی سری های زمانی مالی، نلسون^۱ (۱۹۹۱) مدل نمایی GARCH را معرفی کرد.

$$\log(\sigma_t^2) = \omega + \alpha \left[\frac{\varepsilon_{t-1}}{\sqrt{\sigma_{t-1}^2}} - \sqrt{\frac{2}{\pi}} \right] + \beta \log(\sigma_{t-1}^2) + \delta \frac{\varepsilon_{t-1}}{\sqrt{\sigma_{t-1}^2}}$$

که در آن شوکهای منفی اثرات بیشتری نسبت به شوکهای مثبت برابر بر تلاطم خواهد داشت هرگاه $\delta < 0$ باشد.

۳-۳- مدل های غیرخطی GARCH

حافظه بلندمدت (که آن را وابستگی با دامنه بلند مدت نیز می نامند) ساختار همبستگی مقادیر یک سری زمانی را در فواصل زمانی زیاد توضیح می دهد. وجود حافظه بلند مدت در یک سری زمانی، به این معنی است که بین داده های آن حتی با فاصله زمانی زیاد همبستگی وجود دارد. طی دهه گذشته، بخش مهمی از تجزیه و تحلیل سریهای زمانی به فرآیندهای با حافظه بلند مدت معطوف شده است. وجود حافظه بلند مدت در بازده دارایی ها، جنبه های تئوریک و کاربردی مهمی دارد. نخست، از آنجا که حافظه بلند مدت شکل خاصی از دینامیک غیر خطی است، مدلسازی آن با

استفاده از روشهای خطی امکانپذیر نیست و ما را به توسعه و استفاده از مدل‌های قیمت گذاری غیرخطی ترغیب می‌کند. دوم، با وجود حافظه بلندمدت، قیمت گذاری اوراق مشتقه با استفاده از روشهای سنتی مناسب نخواهند بود. در نهایت، از آنجا که حافظه بلند مدت موجب وابستگی بازده آینده دارایی با بازده های قبلی آن می‌شود، نشان دهنده وجود پارامتری قابل پیش بینی در دینامیک سری زمانی است. وجود این ویژگی، دلیلی بر رد شکل ضعیف فرضیه کارایی بازار است. مطابق فرضیه بازار کارا، قیمت داراییها نباید با استفاده از داده‌های گذشته قابل پیش بینی باشد. وجود حافظه بلند مدت در بازده داراییها، بیانگر وجود خودهمبستگی میان مشاهدات با فاصله زمانی زیاد است. بنابراین، می‌توان از بازده های گذشته به منظور پیش بینی بازده آینده استفاده نمود که این امر امکان استفاده از یک استراتژی سوداگرانه سودآور را فراهم می‌کند. تحقیقات متعددی برای بررسی وجود حافظه بلند مدت در بازده دارایی های مالی انجام شده است.

مندلبروت (۱۹۷۱) که ایده وجود حافظه بلند مدت در بازده دارایی ها را مطرح کرد. لذا در این زمینه مدل‌های GARCH نیز به نوبه خود دچار تغییراتی شدند تا بتوانند اثرات حافظه بلند مدت را در خود لحاظ کنند و بدین ترتیب مدل‌های FIGARCH^{۱۰} بایلی و دیگران^{۱۱} (۱۹۹۶) توسعه یافت. برای یک مدل FIGARCH(1,d,1) که در آن d درجه هم انباشتگی حافظه بلندمدت است بصورت زیر خواهد بود:

$$\sigma_t^2 = \omega + \beta\sigma_{t-1}^2 + [1 - (1 - \beta L^{-1})(1 - \lambda|L|)(1 - L)^d] \varepsilon_t^2 \quad (3)$$

که در آن $\lambda < 1, \beta < 1, \omega > 0$ خواهد بود و پارامتر d برای توصیف فتار بلندمدت سری زمانی است.

در اینجا d الزاما عدد صحیح نیست. این درحالیست که دو پارامتر دیگر عدد صحیح خواهند بود. در این حالت شرط وجود اثرات حافظه بلندمدت در سری زمانی مورد بررسی این است که $0 \leq d \leq 1$ و در صورتی که این مقدار به صورت $0 < d < 1$ باشد نشان می‌دهد که سری زمانی از یک روند هایپربولیک پیروی می‌کند و اثرات حافظه بلندمدتی را ندارد. از سوی دیگر هرگاه $d = 0$ باشد آنگاه مدل تنها اثرات کوتاه مدت را در خود دارد و به صورت یک مدل GARCH(1, 1) قابل مدلسازی است. و در صورتی که $d = 1$ باشد این مدل به صورت یک مدل IGARCH(1, 1) قابلیت مدلسازی دارد.

تسه (۱۹۹۸)^{۱۲} با لحاظ اثرات اهرمی بر مدل های FIGARCH مدل FIPARCH^{۱۳} را ابداع کرد که در آن همزمان اثرات حافظه بلندمدت و اهرمی را همزمان می تواند در مدلسازی اعمال کند. این مدل به شرح زیر می باشد.

$$\sigma_t^\delta = \omega(1 - \beta L)^{-1} + [1 - (1 - \beta L)^{-1}(1 - \lambda)(1 - L)^d](|\varepsilon_t| - \gamma \varepsilon_t)^\delta \quad (4)$$

در معادله اخیر علاوه بر شروط معادله قبلی همچون $\lambda < 1, \beta < 1, \omega > 0$ پارامتر γ نشان دهنده اثرات اهرمی و عدم تقارن سری زمانی و یا واکنش به شوک های مثبت و منفی است. که این پارامتر در دامنه ۱ و -۱ نشان دهنده اثرات نامتقارن شوک ها را در پی خواهد داشت. هرگاه اثرات شوک های مثبت بر تلاطم بازار بیشتر باشد این عامل ضریبی با علامت مثبت به خود اختصاص خواهد داد. در صورتی که اثرات شوک های منفی بر تلاطم بازار بیشتر باشد علامت منفی را خواهد داشت. در حالت حدی و با داشتن شرایط $d = 0, \gamma = 0, \delta = 2$ این مدل به مدل FIGARCH تبدیل خواهد شد.

ارزیابی مدل های پیش بینی کننده

برای ارزیابی مدل های پیش بینی کننده تلاطم شرطی بازار بورس و فرابورس ایران از مدل های که خطاهای مدل های پیش بینی کننده را اندازه گیری می کنند استفاده خواهد شد. این مدل ها بر دو نوع عمده تقسیم بندی می شوند؛ مدل های متوسط مطلق خطا (MAE) و مدل درصد خطای متوسط مطلق (MAPE) به شرح زیر است:

$$MAPE = \sqrt{n^{-1} \sum_{t=1}^n (\sigma_{a,t}^y - \sigma_{a,t}^x)^2} \quad (5)$$

$$MAE = n^{-1} \sum_{t=1}^n |\sigma_{a,t}^y - \sigma_{a,t}^x| \quad (6)$$

که در آنها n تعداد پیش بینی های انجام شده، $\sigma_{a,t}^2$ و $\sigma_{a,t}^2$ به ترتیب مقدار اصلی پارامتر و پیش بینی پارامتر است. که با استفاده از روش پنجره غلتان صورت می گیرد.

برآورد ارزش در معرض ریسک

همانطور که در بخش قبلی اشاره کوتاهی بر آن داشتیم ارزش در معرض ریسک که از سنجه های ریسک نامطلوب است، مهمترین ابزار اندازه گیری ریسک بازار به شمار می آید. بنا به تعریف، ارزش در معرض ریسک، بیشترین میزان زیان بالقوه در ارزش سبد دارایی ها را در یک

احتمال مشخص و یک افق زمانی معین محاسبه و در نهایت به صورت یک عدد گزارش می‌کند. VaR، به این سوال پاسخ می‌دهد که با x درصد α احتمال و طی افق زمانی تعیین شده، حداکثر چه میزان از ارزش دارایی یا سبد دارایی‌ها در معرض کاهش ارزش قرار دارد به زبان ریاضی می‌توان VaR را بصورت زیر نشان داد:

$$Pr[p_t - p_0 \leq VaR] \leq \alpha \quad (7)$$

در روش پارامتریک فرض را بر این قرار می‌دهد که بازدهی‌های مای دارایی توزیع خاصی (مثل نرمال، تی-استیودنت، تی-استیودنت چوله و ...) است. اگر ε_t دارای توزیع نرمال استاندارد $\Phi(\varepsilon)$ باشد، آنگاه $VaR(\alpha) = \mu + \sigma_\varepsilon \Phi^{-1}(\alpha)$. که در آن $\Phi^{-1}(\alpha)$ کوانتیل α توزیع نرمال استاندارد با $\Phi^{-1}(\alpha) < 0$ است. برای برآورد واریانس شرطی بازدهی‌های مالی σ_ε^2 می‌توان از انواع تکنیک‌های خانواده GARCH استفاده کرد. اگر فرض بر این قرار داده شود که ε_t دارای توزیع تی-استیودنت با درجه آزادی \mathcal{V} باشد، آنگاه $VaR(\alpha) = \mu + \sigma_\varepsilon T_{\mathcal{V}}^{-1}(\alpha)$ می‌شود، که در آن $T_{\mathcal{V}}^{-1}(\alpha)$ کوانتیل α از توزیع تی-استیودنت با درجه آزادی \mathcal{V} است. باردیگر برای برآورد σ_ε^2 از انواع مدل‌های خانواده GARCH می‌توان استفاده کرد.

پس‌آزمایی ارزش در معرض ریسک

برای محاسبه دقت مدل‌ها در تعیین ارزش در معرض خطر می‌توان از آزمون کوپیک (آزمون پوشش غیر شرطی^{۱۴}) استفاده کرد. این آزمون در سال ۱۹۹۵ بر اساس آزمون نسبت حداکثر راست‌نمایی جهت تعیین دقت مدل‌های مختلف در بازه اطمینان داده شده، ابداع شد. این آزمون با روشی بسیار ساده میزان خطای روش محاسبه VaR را برای داده‌های گذشته با استفاده از آماره کای-دو می‌سنجد.

$$LR = -2 \ln[\alpha^{T-N} (1-\alpha)^N] + 2 \ln[(1-f)^{T-N} f^T] \quad (8)$$

که در آن f نشان دهنده میزان نرخ شکست تجربی محاسبه شده از تعداد مشاهدات بازدهی بیش از مقدار محاسبه شده ارزش در معرض ریسک (N) و T حجم نمونه برآوردی در نظر گرفته شده می‌باشد.

روش‌هایی که این آزمون‌های کفایت را با موفقیت پشت سر می‌گذارند به مرحله دوم می‌رسند. در مرحله اول آزمون‌هایی داشتیم که صرفاً تعداد تخطی در آن مهم بود و بزرگی تخطی‌ها در

انتخاب ورود مدل به مرحله دوم اثری نداشت. لذا تابع زیانی که بتواند بزرگی تخطی‌ها را در برگرد را به صورت زیر تعریف می‌کنیم:

$$lf_{t+1} = \begin{cases} [x_{t+1} - VaR_t]^2 & \text{if } x_{t+1} < VaR_t \\ 0 & \text{if } x_{t+1} > VaR_t \end{cases} \quad (9)$$

تابع زیان بالا بزرگی تخطی‌ها را با توان دو جریمه می‌کند. مدلی را به مدل دیگر ترجیح می‌دهیم که متوسط تابع زیان آن کمتر باشد. متوسط تابع زیان را نیز به این صورت تعریف می‌کنیم:

$$\sum_{t=1}^T lf_t / N \quad (10)$$

روش‌های پس‌آزمایی که توضیح داده شد، تنها برای خطایی که ارزش در معرض خطر مرتکب می‌شد، جریمه‌ای قائل می‌شدند. اما چه می‌شود اگر ارزش در معرض خطر توسط مدلی چنان بیش از حد برآورد شود تا هیچ‌گونه تخطی را مرتکب نشود. در این صورت با معیارهای پس‌آزمایی مذکور، چنین ارزش در معرض خطری مدل خوبی به شمار می‌رود.

در آزمون کریستوفرسن با در نظر گرفتن پیش بینی VaR ، $\hat{k}_\lambda(1, t)$ برای یک افق زمانی یک روزه و بازده واقعی مشاهده شده r_{t+1} مجموعه صفر و یک^{۱۵} که نشان دهنده وجود داشتن یا وجود نداشتن شکست های VaR است بصورت زیر تعریف می‌شود:

$$I_{t+1} = \varphi_{(-\infty, \hat{k}_\lambda(1, t))}(r_{t+1}) \quad (11)$$

تعداد شکست ها و $T_0 = T - T_1$ تعداد نبود شکست ها و احتمال شکست تجربی $T_1 \sum_{t=1}^T I_{t+1}$ به صورت $\hat{\lambda} = T^{-1} \sum_{t=1}^T I_{t+1} = T_1 / T$ محاسبه شده است. برای یک مدل پیش‌بینی VaR صحیح، انتظار داریم مجموعه شکست ها I_{t+1} به صورت زیر باشد:

$$H_0: I_{t+1} \sim Bernoulli(\lambda) \quad (12)$$

آزمون این فرض صفر همانطور که کریستوفرسن (۱۹۸۸) نشان داد: بخش اول آزمون پوشش غیر شرطی و بخش دوم بررسی استقلال شکست هاست.

۴- سوالات پژوهش

- ۱) آیا لحاظ وجود اثرات حافظه بلند مدت در بازدهی منجر به پیش بینی صحیح تر تلاطم بازدهی ها می شود؟
- ۲) آیا لحاظ وجود اثرات حافظه بلند مدت در بازدهی منجر به بهبود محاسبه ارزش در معرض ریسک می شود؟

۵- فرضیات پژوهش

فرضیات مبتنی بر سوالات فوق به شکل زیر خواهد بود؛

- ۱) لحاظ وجود اثرات حافظه بلند مدت در بازدهی منجر به پیش بینی صحیح تر تلاطم بازدهی ها می شود.
- ۲) لحاظ وجود اثرات حافظه بلند مدت در بازدهی منجر به بهبود محاسبه ارزش در معرض ریسک می شود.

۶- یافته‌های پژوهش

۶-۱- خصوصیات آماری داده‌ها

برای نیل به اهداف این پژوهش از اطلاعات مربوط به شاخص قیمتی بورس اوراق بهادار تهران و شاخص فرابورس ایران در بازه زمانی ۱۳۸۷/۰۷/۰۷ تا ۱۳۹۳/۱۱/۱۱ برای هر سری زمانی استفاده شده است. برای بررسی بازارهای مالی از بازده روزانه به جای قیمت استفاده می کنیم، زیرا بازده دارایی یک شاخص کامل و بدون مقیاس برای ارزیابی فرصت های سرمایه گذاری است و همچنین تحلیل سری های زمانی بازدهی آسان تر از سری زمانی قیمت است (کمپل، ۱۹۹۷). بازده دارایی های در نظر گرفته شده مورد بررسی به صورت لگاریتمی در محاسبات با پیروی از معادله ۱۳ در نظر گرفته شده است.

$$r_t = \ln\left(\frac{p_t}{p_{t-1}}\right) \times 100 \quad (13)$$

که در آن r_t بازدهی لگاریتمی، p_t قیمت در زمان t و p_{t-1} قیمت در زمان $t-1$ است. در جدول ۱ خصوصیات آماری داده های مورد استفاده خلاصه شده است. قابل استنباط است که ضریب کشیدگی بازدهی دو شاخص بیشتر از ضریب کشیدگی تابع چگالی نرمال است. هر دو بازدهی دارای چولگی هستند و آماره جاکوب برا بیانگر آن است که تابع توزیع بازدهی دارایی نرمال نیست. همچنین نتایج مربوط به آزمون GPH و R/S حاکی وجود حافظه بلندمدت در بین

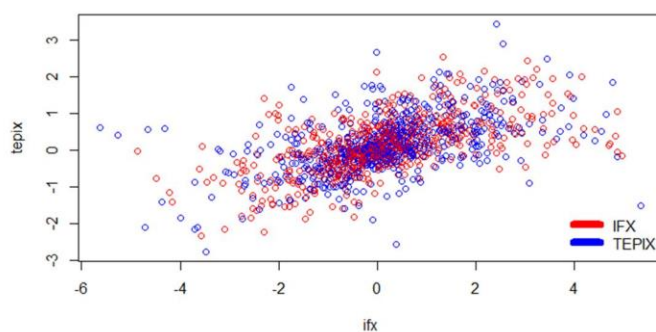
داده‌های مورد استفاده است از آنجایی که پارامتر d برای هر دو سری زمانی مورد آزمون در بازدهی (۰,۵۰,۵) است، هر دو سری زمانی مانا می‌باشند. آماره دیک فولر (ADF) نشان دهنده مانایی هر دو سری زمانی مورد بررسی است.

جدول ۱- ویژگی‌های آماری و آزمون وجود حافظه بلندمدت در بین بازده دو بازدهی شاخص بورس تهران و فرابورس ایران

بازده لگاریتمی	شاخص بورس اوراق بهادار	شاخص فرابورس ایران
میانگین	۰,۰۰۶۸	۰,۰۰۰۱
ماکزیمم	۰,۱۱۵۲	۰,۱۱۲۹
مینیمم	-۰,۲۱۴	-۰,۰۳۷
انحراف معیار	۰,۱۱۱	۰,۰۰۵
چولگی	۱,۱۰۲	۱,۲۴
کشیدگی	۰,۱۵	۰,۱۶
آماره ADF	-۱۴/۳۷	-۷/۳۲
آزمون جاکوبی	آماره ۳۲۳۳۵*	آماره ۲۳۵۴۱۶*
	احتمال ۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
آماره آزمون RS	۲,۳۶۷	۳,۵۲۳
آزمون GPH	آماره -۳,۰۵۷	آماره -۲,۲۰۱
	پارامتر d ۰,۴۹۱۷	۰,۳۴۹۶

*رد فرضیه صفر مبنی بر فرض نرمال بودن در سطح معناداری ۱ درصد

این دو بازدهی را می‌توان در شکل (۱) مشاهده کرد.



شکل ۱- بازدهی دو شاخص بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران

۶-۲- برآورد مدل های واریانس ناهمسانی شرطی

در این بخش از مقاله به برآورد مدل های مختلف معرفی شده در بخش سوم مقاله پرداخته خواهد شد و توانایی هر مدل را مورد آزمون قرار خواهیم داد برای این منظور از نرم افزارهای OX و S-Plus-8 استفاده شده است. لازم به ذکر است از آنجایی که دو سری بازدهی مورد آزمون فرضیه نرمال بودن را رد کردن جهت برآورد بهتر مدل سازی سری زمانی از توزیع تی-استیودنت برای برآورد مدل ها استفاده شده است. همچنین با استفاده از ماتریس آکائیک و شوارتز مرتبه دقیق برای مدل سازی میانگین مدل $ARMA(2,1)$ بدست آمده که بخش میانگین دو سری بازدهی با این مدل برآورد شده است. نتایج این مدلها برای دو بازدهی شاخص بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران در جدول (۲) خلاصه شده است.

همانطور که در جدول (۲) قابل مشاهده است بهترین توضیح دهندگی از واریانس و تلاطم بازدهی شاخص بورس اوراق بهادار توسط مدل FIPARCH با لحاظ اثرات حافظه بلند مدت رقم خورده است، چراکه دارای کمترین معیارهای اطلاعاتی تهران و بیشترین مقدار تابع حداکثر راستنمایی می باشد. همچنین در این برآورد مقدار آماره d در بازه $(0, 0.5)$ قرار داشته و مانایی سری زمانی مورد بررسی را تضمین می کند. از سوی دیگر بررسی اثرات نامتقارن با استفاده از مدل EGARCH نشان می دهد که برآورد پارامتر مربوط به اثرات نامتقارن این بازار منفی شده است. این بدان معنی است که شوک های منفی منجر به تشدید تلاطم ایجاد شده در بازدهی بازار بورس اوراق بهادار می شود. این واقعیت در مدل FIPARCH نیز با علامت منفی اثرات حجمی (اهرمی) نمایان شده است.

از سوی دیگر در برآورد واریانس شرطی و تلاطم بازدهی شاخص فرابورس ایران مدل های واریانس ناهمسانی شرطی با لحاظ اثرات نامتقارن و همچنین اثرات حافظه بلند مدت یعنی مدل FIPARCH با بیشترین مقدار تابع راستنمایی و کمترین معیارهای اطلاعاتی آکائیک و شوارتز بهترین عملکرد را دارد، مقدار پارامتر اثرات حجمی این مدل نشان می دهد که اثرات شوک های منفی منجر به تلاطم بیشتر بازار فرابورس ایران می گردد. از سوی دیگر مدل EGARCH نشان دهنده اثرات غالب شوک های منفی بر بیشتر شدن تلاطم بازدهی در بازدهی شاخص فرابورس ایران است.

جدول ۲. برآورد مدل‌های مختلف واریانس ناهمسانی شرطی برای دو بازدهی شاخص بورس تهران و فرابورس ایران
بازدهی شاخص بورس اوراق بهادار تهران بازدهی شاخص فرابورس ایران

پارامتر	FIPARCH	FIGARCH	EGARCH	GARCH	FIPARCH	FIGARCH	EGARCH	GARCH
μ	-۰٫۰۰۰۵۱۴	-۰٫۰۰۰۴۰۲*	-۰٫۰۰۰۲۱۲	-۰٫۰۰۰۲۵۵*	۰٫۰۰۴۲۱*	۰٫۰۰۰۵۳	۰٫۰۰۱۰۴*	-۰٫۰۰۰۶۹
α_0	(۰٫۰۰۴۹)	(۰٫۰۰۲۱)	(۰٫۰۰۵۴۵)	(۰٫۰۱۴۵)	(۰٫۰۰۰۲۶۳)	(۰٫۰۰۰۲۳۱)	(۰٫۰۰۰۱۰۳)	(۰٫۰۰۰۲۵۵)
α_1	۰٫۰۰۷۸۱*	۰٫۰۴۱۹*	۰٫۰۰۰۰۱۱*	۰٫۰۰۰۱۳*	۰٫۰۰۰۱۵*	۰٫۰۰۰۱۹*	۰٫۰۰۰۰۱۷	۰٫۰۰۰۲۲*
	(-۲۵-۰۰۵۱)	(-۴۵-۰۰۰۸)	(-۷۵-۰۰۰۱)	(-۲۵-۰۰۰)	(۰٫۰۰۰۱۵)	(-۹۵-۰۰۰۵)	(-۶۵-۰۰۰۵)	(۰٫۰۰۰۰۰)
α_2	۰٫۲۳۶۷۵	۰٫۴۹۹۶۱	۰٫۷۸۸۴۵	۰٫۸۰۲۲۸۶	۰٫۷۹۲	۰٫۶۷۷۷۶۳*	۰٫۶۶۲۳۹۶*	۰٫۰۰۵۴۰*
	(-۰٫۲۴۵)	(-۰٫۱۲۲)	(-۰٫۱۰۴)	(-۰٫۱۰۵۶۷)	(-۰٫۳۳۱)	(-۰٫۰۸۰۲)	(-۰٫۰۸۲۳۵)	(-۰٫۱۰۲)
β	۰٫۸۵۲*	۰٫۶۴۳*	۰٫۲۷۵*	۰٫۴۵۹۳*	۰٫۹۹۱	۰٫۳۲۷*	۰٫۳۳۴*	۰٫۹۹۹*
	(-۰٫۱۶۸۱)	(-۰٫۰۹۵۱)	(-۰٫۱۱۸۱)	(-۰٫۰۲۱۱)	(-۰٫۰۰۱۳)	(-۰٫۱۴۹۱)	(-۰٫۱۰۸۹)	(-۰٫۰۰۵۱)
γ	-	-	-۰٫۵۷۰۸*	-	-	-	-۰٫۱۹۹۸*	-
	-	-	(-۰٫۱۱۱)	-	-	-	(-۰٫۰۰۰۳۰۷)	-
d	۰٫۲۳	۰٫۴۰۱	-	-	۰٫۳۲	۰٫۲۸	-	-
Fract ion	۰٫۰۵۸۳۱*	۰٫۷۲۱۳*	-	-	۰٫۰۲۳۴۵*	۰٫۰۸۲۷۷*	-	-
	(۰٫۰۲۱۰۸)	(۰٫۰۰۶۳۳)	-	-	(۰٫۰۰۴۵۸)	(۰٫۰۰۱۴۳)	-	-
Powe r	-۰٫۱۱۲۸*	-	-	-	-۰٫۱۷۰۲۳۱*	-	-	-
	(-۰٫۰۰۱۸۱)	-	-	-	(-۰٫۰۲۲۳۶)	-	-	-
LLF	۹۷۹۵	۹۲۳۰	۶۱۰۵	۶۷۹۳	۹۸۷۷	۹۷۸۱	۶۸۸۱	۵۸۲۰
AIC	-۷٫۲۱۰۵	-۷٫۲۰۱۱	-۷٫۱۸۶۷	-۶٫۱۸۶۱	-۷٫۲۱۶۶	-۷٫۱۷۳۵	-۷٫۱۷۳۸	-۶٫۱۵۷۳
BIC	-۷٫۲۰۹۵	-۷٫۱۹۱۲	-۷٫۱۶۶۲	-۶٫۱۶۸۵	-۷٫۲۰۱۹	-۷٫۱۵۵۹	-۷٫۱۵۹۱	-۶٫۱۴۵۶
J- Box	۰٫۷۵۶۲	۰٫۷۲۴۵	۰٫۸۹۰۵	۰٫۸۸۶۸	۰٫۸۳۳۸	۰٫۸۶۱۴	۰٫۸۷۴۱	۰٫۸۷۷۲
	[۹٫۹۸]	[۱۰٫۵۸]	[۱۰٫۱۸]	[۱۱٫۲۲]	[۱۲٫۱۲۸]	[۱۷٫۱۱]	[۱۶٫۳۴]	[۴٫۲۳۳]
آزمون انگل	۰٫۴۹۵۷	۰٫۵۹۵۲	۰٫۲۳۲۹	۰٫۹۷۸۹	۰٫۹۷۴۸	۰٫۹۷۳۱	۰٫۹۷۴۲	۰٫۹۸۶۹
	[۵٫۴۸۹]	[۱۰٫۱۵]	[۳٫۲۷۴۶]	[۱۳٫۱۸]	[۱۲٫۲۱]	[۹٫۱۳]	[۵٫۱۹۰۱]	[۵٫۳۵]

اعداد داخل پرانتز () نشان دهنده انحراف معیار و اعداد داخل براکت [] نشان دهنده آماره Q است. همچنین، d درجه آزادی، $skew$ چولگی در توزیع تی-استیودنت چوله، LLF تابع حداکثر راست‌نمایی، AIC معیار اطلاعات آکائیک، BIC معیار اطلاعات شوارتز بیزی، J -Box آزمون یونگ باکس و آزمون انگل برای وجود آثار $ARCH$ است. * معناداری در سطح ۰۰۰۵ را نشان می‌دهد.

۳-۶- مدل‌های واریانس ناهمسانی شرطی جهت پیش‌بینی تلاطم بازدهی

همانطور که در بخش قبلی بدان اشاره شد، برای ارزیابی مدل‌های پیش‌بینی کننده تلاطم شرطی بازار بورس و فرابورس ایران از مدل‌های که خطاهای مدل‌های پیش‌بینی کننده را اندازه‌گیری می‌کنند یعنی مدل‌های متوسط مطلق خطا (MAE) و مدل درصد خطای متوسط مطلق (MAPE) استفاده کرده ایم. در جدول (۳) نتایج حاصل از این برآورد برای مدل‌های مختلف و بازارهای مختلف مقایسه شده است. همانطور که قابل استنباط است مدل FIPARCH با کمترین خطای ممکن دارای بهترین عملکرد در بین مدل‌های مورد استفاده در این مقاله برای هر دو بازدهی بورس و فرابورس ایران است. بدین ترتیب می‌توان بیان کرد که بهترین مدل پارامتریک برای پیش

بین تلاطم در بازدهی دو بازار بورس و فرابورس ایران مدل های واریانس ناهمسانی شرطی با لحاظ اثرات نامتقارن و حافظه بلند مدت است.

جدول ۳. مقایسه مدل های مختلف واریانس ناهمسانی شرطی جهت عملکرد پیش بینی

بازدهی شاخص فرابورس		بازدهی شاخص بورس		پارامتر
۰/۱۲۸	MAE	۰/۳۵۲	MAE	GARCH
۰/۳۱۲	MAPE	۰/۶۲۵	MAPE	
۰/۱۰۵	MAE	۰/۳۱۲	MAE	EGARCH
۰/۲۸۵	MAPE	۰/۵۷۰	MAPE	
۰/۲۸۳	MAE	۰/۲۸۳	MAE	FIGARCH
۰/۴۵۱	MAPE	۰/۴۵۱	MAPE	
۰/۱۶۴	MAE	۰/۱۶۴	MAE	FIPARCH
۰/۳۰۲	MAPE	۰/۳۰۲	MAPE	

۴-۶- برآورد و ارزیابی ارزش در معرض ریسک با استفاده از مدل های واریانس ناهمسانی

شرطی

هدف اصلی این پژوهش یعنی برآورد ارزش در معرض ریسک سبد بازدهی شاخص بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران با لحاظ اثرات حافظه بلند مدت است. سطح معناداری مورد نظر برای محاسبه ارزش در معرض ریسک ۱٪ می باشد که در اکثر تحقیقات انجام شده این سطح معناداری رایج است. برای محاسبه ارزش در معرض ریسک با در نظر گرفتن توزیع تی-استیودنت به برآورد ارزش در معرض ریسک در سطح معناداری ۱٪ می پردازیم. با ترکیب مقادیر تخمین زده شده برای واریانس شرطی دوره بعد برای مدل های معرفی شده در بالا ارزش در معرض ریسک در ادامه برآورد خواهد شد. لازم به ذکر است با استفاده از رهیافت پنجره غلتان به پیش بینی ارزش در معرض ریسک پرداخته خواهد شد. برای این هدف طول پنجره در نظر گرفته شده ۵۰۰ داده اول است.

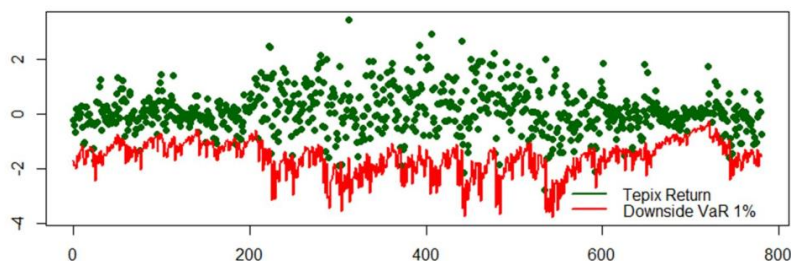
پس از توسعه مدل و قبل از این که در عمل مورد استفاده قرار بگیرند، باید اعتبار آنها مورد ارزیابی قرار بگیرد. هم چنین در حین استفاده از مدل عملکرد آن باید به طور مرتب ارزیابی گردد. یکی از مولفه های کلیدی اعتبارسنجی مدل، پس آزمایی آن است که شامل روش های آماری و ریاضی جهت تعیین مطابقت پیش بینی های مدل با مفروضاتی است که مدل بر اساس آن بنا شده است. مفروضات توزیعی نادرست در مدل های آماری، تغییرات بزرگ در تلاطم عوامل ریسک بازار، چالش های مربوط به مدل سازی وابستگی های زمانی موجود در تلاطم بازدهی سبد دارایی و فقدان

انسجام از جمله عواملی است که به برآورد نادرست ارزش در معرض ریسک می‌انجامد. به عبارت دیگر این عوامل مهمترین عواملی هستند که منجر به عدم کفایت مدل‌های برآورد کننده ارزش در معرض ریسک که در پس آزمایی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

به لحاظ مفهومی پس آزمایی بسیار نوپا است، چرا که خود ارزش در معرض ریسک به طور رسمی در سال ۱۹۹۳ معرفی گردیده است.

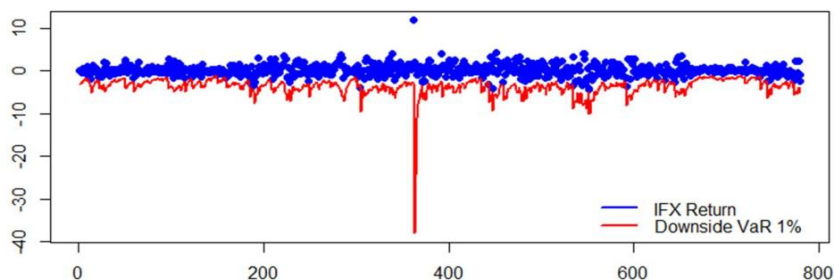
بنابراین یک روش مفید برای سنجش عملکرد این معیار، پس‌آزمایی است که با بکارگیری روش‌های کمی به تعیین مطابقت پیش‌بینی‌های مدل با مفروضاتی که مدل بر اساس آن‌ها بنا شده، می‌پردازد. همچنین امکان رتبه‌بندی روش‌های مختلف محاسبه‌ی ارزش در معرض ریسک را فراهم می‌کند. در فرآیند پس‌آزمایی به جای آنکه از مدل برای پیش‌بینی ریسک دوره پیش‌رو استفاده شود، ریسک دوره‌های گذشته محاسبه شده و با مقایسه ریسک به دست آمده از مدل با داده‌های واقعی می‌توان عملکرد مدل را سنجید. در پس‌آزمایی از رهیافت پنجره غلتان^{۱۶} استفاده می‌شود. در این رهیافت لازم است یک دوره برازش^{۱۷} ثابت را در نظر بگیریم که به منظور تخمین پارامترهای مدل ارزش در معرض ریسک نمونه‌ای را تعریف می‌کند. این نمونه‌ی برازش^{۱۸} در سراسر کل دوره داده‌ها غلتانده می‌شود، با ثابت در نظر گرفتن داده دوره برازش، نمونه برازش از ابتدای دوره داده‌ها شروع می‌شود. برای مثال با در نظر گرفتن ۱۰۰ داده اول بعنوان پنجره غلتان از کل داده‌های ممکن (مثلاً ۱۰۰۰ داده) به پیش‌بینی ارزش در معرض ریسک ۱۰۱ آمین داده می‌پردازیم، سپس با استفاده از این پیش‌بینی پنجره غلتان یک داده به جلو رانده می‌شود، یعنی داده‌های دوم تا ۱۰۱ و با استفاده از این ۱۰۰ داده به عنوان پنجره غلتان ارزش در معرض ۱۰۲ پیش‌بینی می‌شود. این چرخه برای پیش‌بینی تا داده ۱۰۰۰ ادامه پیدا می‌کند و منجر به پیش‌بینی ۹۰۰ داده برای ارزش در معرض ریسک می‌شود. حال با بررسی این ۹۰۰ مورد پیش‌بینی شده با ارزش در معرض ریسک رخ داده شده در آنها تعداد تخطی‌ها و عدم توانایی پیش‌بینی‌ها به روش‌های مختلفی رتبه‌بندی می‌شود که در ادامه به تفصیل بدان‌ها اشاره خواهد شد.

برآورد ارزش در معرض ریسک برای شاخص بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از مدل FIPARCH در شکل (۲) نمایش داده شده است. نقاط سبز رنگ در این نمودار نشان دهنده بازدهی بازار سهام و خط قرمز رنگ برآورد ارزش در معرض ریسک این شاخص را نشان می‌دهد.



شکل ۲. برآورد ارزش در معرض ریسک برای شاخص بورس اوراق بهادار تهران

برآورد ارزش در معرض ریسک برای شاخص فرابورس ایران نیز با استفاده از مدل FIPARCH در شکل (۳) نمایش داده شده است. همچون مدل قبلی برآورد ارزش در معرض ریسک در این شکل نقاط آبی رنگ نشان دهنده بازدهی بازار سهام و خط قرمز رنگ برآورد ارزش در معرض ریسک این شاخص را نشان می دهد.



شکل ۲. برآورد ارزش در معرض ریسک برای شاخص فرابورس ایران

نتایج حاصل از پس آزمایی به روش آزمون کوپتیک در جدول (۴) خلاصه شده است. همانطور که آزمون کوپیک نشان می دهد مدل GARCH استاندارد توانایی لازم برای برآورد ارزش در معرض ریسک در هر دو بازار را نخواهد داشت. به بیان دیگر این مدل کفایت لازم جهت برآورد ارزش در معرض ریسک را دارا نمی باشد. در این جدول ستون‌ها به ترتیب از راست اسم روش، تعداد تخطی ها، درصد تخطی، LR_{UC} مقادیر مربوط به آزمون پوشش غیر شرطی p -مقدار آزمون پوشش غیر شرطی و ستون آخر مجموع مجذورات اندازه تخطی ها یعنی تابع زیان و بالاخره رتبه بندی بر

اساس پایین ترین مجموع مجدورات علامت ستاره به معنای رد شدن روش مورد نظر توسط آزمون پوشش شرطی می باشد.

در این جدول مدل GARCH ساده به صورت متقارن توانایی لازم را جهت پیش بینی ارزش در معرض ریسک را ندارد. اما با لحاظ اثرات نامتقارن به صورت اهرمی مثل مدل های EGARCH منجر به بهبود و کفایت لازم جهت پیش بینی ارزش در معرض ریسک را دارا می باشند. علاوه بر این با افزودن اثرات حافظه بلند مدت به سری های زمانی مورد بررسی این کفایت بهبود یافته و عملکرد بهتری را نسبت به مدل های نامتقارن نیز دارا می باشند.

بدین ترتیب و با توجه به نتایج کسب شده از رتبه بندی روش های ارزیابی ارزش در معرض ریسک برای مدل های مورد استفاده مدل های نامتقارن عملکرد بهتری را نسبت به مدل های متقارن داشته است، به نحوی که مدل های متقارن توانایی محاسبه ارزش در معرض ریسک را ندارد. از سوی دیگر با لحاظ اثرات نامتقارن در سری های زمانی و همچنین اثر حافظه بلند مدت منجر به بهبود عملکرد ارزش در معرض ریسک خواهد شد. بنابراین لحاظ این اثرات در بازدهی بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران منجر به بهبود عملکرد پیش بینی آنها برای ارزش در معرض ریسک و تلاطم می شود.

جدول ۴. مقایسه مدل های مختلف واریانس ناهمسانی شرطی جهت برآورد ارزش در معرض ریسک

رتبه	تابع زیان	p-value	LR_{uc}	درصد تخطی	تخطی	روش محاسبه ارزش در معرض ریسک	بازدهی
*	۴۳/۳۱	۰/۰۰۰	۳۶/۱۳	۱/۹۷	۱۶	GARCH	شاخص بورس تهران
۳	۲۰/۳۲	۰/۲۱۷	۰/۳۴۲	۰/۹۸	۸	EGARCH	
۲	۱۹/۶۱	۰/۵۴۱	۰/۴۳۶	۰/۷	۶	FIGARCH	
۱	۱۷/۰۲	۰/۴۹۹	۰/۷۶۲	۰/۹۷	۷	FIPARCH	
*	۵۰/۵۲	۰/۰۰۰	۱۵/۷۹۱	۲/۴	۲۰	GARCH	شاخص فرا بورس ایران
۳	۳۲/۰۵	۰/۶۸	۰/۷۶۲	۱	۱۰	EGARCH	
۲	۲۸/۶۵	۰/۸۶	۰/۲۴۵	۱/۱	۱۲	FIGARCH	
۱	۲۴/۱۷	۰/۸۸	۰/۶۱۲	۰/۹۸	۹	FIPARCH	

۷- نتیجه گیری و بحث

حافظه پیش بینی تلاطم یکی از مهمترین موضوعات مورد مطالعه در بازارهای مالی دنیا است. تلاطم به عنوان یک عامل مؤثر در تعیین ریسک سرمایه گذاری، می تواند نقش مهمی در تصمیم گیری سرمایه گذاران ایفا کند. یک تخمین مناسب از تلاطم قیمت دارایی های مالی همچون بازار سهام در یک دوره سرمایه گذاری نقطه آغازین بسیار مهمی در کنترل ریسک سرمایه گذاری

است. لذا در این مقاله بدین موضوع پرداخته شد که لحاظ اثرات حافظه بلند مدت در پیش بینی تلاطم و ارزش در معرض ریسک دو بازار سهام در ایران یعنی بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران پرداخته شد. نتایج حاصل از بررسی اولیه داده‌ها نشان می‌دهد که بازدهی این دو سری زمانی مورد آزمون دارای حافظه بلند مدت هستند. لذا برای ارزیابی بهتر مدل‌های محاسبه کننده و پیش بینی کننده تلاطم و ارزش در معرض ریسک مدل‌های نامتقارنی که اثرات اهرمی را در خود اعمال کنند استفاده کردیم. در این راستا و پس از سپری کردن آزمون‌های آمار و مدل‌سازی آماری آن، بهترین توضیح دهنده‌گی از واریانس و تلاطم بازدهی شاخص بورس اوراق بهادار تهران توسط مدل FIPARCH با لحاظ اثرات حافظه بلند مدت رقم خورده است، چراکه دارای کمترین معیارهای اطلاعاتی و بیشترین مقدار تابع حداکثر راستنمایی می‌باشد. همچنین در این برآورد مقدار آماره d در بازه $(0, 0.5, 1)$ قرار داشته و مانایی سری زمانی مورد بررسی را تضمین می‌کند. در بررسی توانایی لازم برای پیش بینی تلاطم نیز، مدل FIPARCH با کمترین خطای ممکن دارای بهترین عملکرد در بین مدل‌های مورد استفاده در این مقاله برای هر دو بازدهی بورس و فرابورس ایران است. بدین ترتیب می‌توان بیان کرد که بهترین مدل پارامتریک برای پیش بین تلاطم در بازدهی دو بازار بورس و فرابورس ایران مدل‌های واریانس ناهمسانی شرطی با لحاظ اثرات نامتقارن و حافظه بلند مدت است. در گام بعد یعنی برآورد و پیش بینی ارزش در معرض ریسک مدل‌های نامتقارن عملکرد بهتری را نسبت به مدل‌های متقارن داشته است، به نحوی که مدل‌های متقارن توانایی محاسبه ارزش در معرض ریسک را ندارد. از سوی دیگر با لحاظ اثرات نامتقارن در سری‌های زمانی و همچنین اثر حافظه بلند مدت منجر به بهبود عملکرد ارزش در معرض ریسک خواهد شد. بنابراین لحاظ این اثرات در بازدهی بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران منجر به بهبود عملکرد پیش بینی آنها برای ارزش در معرض ریسک و تلاطم می‌شود. لذا پیشنهاد می‌گردد برای پیش بینی تلاطم و همچنین ارزش در معرض ریسک در ایران از مدل‌های نامتقارن با لحاظ اثرات حافظه بلند مدت استفاده شود.

فهرست منابع

- * حیرانی، مهرداد، غلامرضا کشاورز حداد-۱۳۹۲- "برآورد ارزش در معرض ریسک با وجود ساختار وابستگی در بازدهی بازارهای مالی: رهیافت توابع کاپولا"-پایان نامه کارشناسی ارشد- دانشگاه صنعتی شریف
- * رادپور میثم، حسین عبده تبریزی-۱۳۸۸- "اندازه گیری و مدیریت ریسک بازار" چاپ اول- انتشارات آگاه
- * کشاورز حداد، غلامرضا، باقر صمدی(۱۳۸۸). "برآورد و پیش بینی تلاطم بازدهی در بازار سهام تهران و مقایسه دقت روش ها در تخمین ارزش در معرض خطر : کاربردی از FIGARCH مدل های خانواده - مجله تحقیقات اقتصادی/شماره ۸۶/بهار ۱۳۸۸، ۱۹۳-۲۳۵
- * طیبی ثانی، احسان، اسلامی بیدگلی، غلامرضا، ۱۳۹۳، " بهینه سازی سبد سرمایه گذاری بر اساس ارزش در معرض ریسک با استفاده از الگوریتم کلونی مورچگان"- مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار/شماره ۱۸/بهار ۱۳۹۳/۱۶۳-۱۸۴
- * Akgiray, V. 1989. Conditional Heteroscedasticity in Time Series of Stock Returns: Evidence and Forecasts. *Journal of Business* 62:55-80.
- * Baillie, R.T., Bollerslev, T., Mikkelsen, H.O., 1996. Fractionally integrated generalized autoregressive conditional heteroskedasticity. *Journal of Econometrics* 74, 3-30.
- * Balaban, Ercan, Asil Bayar, and Robert Faff. 2002. Forecasting Stock Market Volatility: Evidence From Fourteen Countries. University of Edinburgh. Center for Financial Markets Research. Working Paper 02.04. October.
- * Bollerslev, T. (1986), Generalized Autoregressive Conditional Heteroskedasticity, *Journal of Econometrics* 31:307-327.
- * Caporin, M., 2002. FIGARCH models: stationarity, estimation methods and the identification problem. GRETA Working Paper no.02.02.
- * Cathy W.S. Chena, Tiffany H.K. Yub, 2005, Long-term dependence with asymmetric conditional heteroscedasticity in stock returns, *Physica A* 353, 413-424.
- * Cheonga, Wen, Au Hassan Shaari Mohd Norb, Zaidi Isac, 2007, Asymmetry and long-memory volatility: Some empirical evidence using GARCH, *Physica A* 373, 651-664.
- * Cheung, Y.-W., 1993. Tests for fractional integration: a Monte Carlo investigation. *Journal of Time Series Analysis* 14, 331-345.
- * Chung, C. F., 1999. Estimating the fractionally integrated GARCH model. National Taiwan University Working Paper.
- * Ding, Z., C. W. J. Granger, and R. F. Engle, 1993, A long memory property of stock market returns and a new model, *Journal of Empirical Finance* 1, 83-106.
- * Engel, R., The Use of ARCH/GARCH Models in Applied, *Journal of Economic Perspectives*, Volume 15, Number 4, Fall 2001- Pages 157- 168.

- * Geetesh Bhardwaj, Norman R. Swanson, 2006, An empirical investigation of the usefulness of ARFIMA models for predicting macroeconomic and financial time series, *Journal of Econometrics* 131 (2006) 539–578.
- * Giot, P., Laurent, S., 2003. Value-at-risk for long and short trading positions. *Journal of Applied Economics* 18, 641–664.
- * Granger, C. W. J., R. Joyeux, 1980. An introduction to long memory time series models and fractional differencing. *Journal of Time Series Analysis* 1, 15-29.
- * Grau, T.M.N., 2002. Modelling daily value-at-risk using FIGARCH type models, University of Alicnte working paper. Hongyu Pan, Z.zhang, 2006.
- * Huang, Y.C., Lin, B.J., 2004. Value-at-risk analysis for Taiwan stock index futures: fat tail and conditional asymmetries in return innovations. *Review of Quantitative Finance and Accounting* 22, 79–95

یادداشت‌ها

- ¹ Value at Risk (VaR)
- ² Mike K.P.So(2006)
- ³ Philip L.H.Yu(2006)
- ⁴ Burns(2002)
- ⁵ Ping-Tsung Wu et.al(2007)
- ⁶ Aloui and Mabrouk, 2010; Cheong, 2009; Wei et al., 2010
- ⁷ Sener, Baronyan and Menguturk(2012)
- ⁸ Walid Chkili et all (2014)
- ⁹ Nelson 1991
- ¹⁰ Fractional Integrated GARCH (FIGARCH)
- ¹¹ Baillie et al. (1996)
- ¹² Tse (1998)
- ¹³ fractional integrated asymmetric power ARCH (FIAPARCH)
- ¹⁴ Unconditional Coverage Test
- ¹⁵ Boolean Sequence
- ¹⁶ Rolling Window
- ¹⁷ Estimation period
- ¹⁸ Estimation sample